

## نگرشی بر عوامل حقوقی مفاسد اقتصادی

حسین زارع شعار \*

### چکیده:

در پیدایش مفاسد اقتصادی، برخی از عوامل حقوقی در کنار عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تأثیر گذارند. از جمله این عوامل خلاء قانونی است در حالی که سیاستهای کلی در ارتباط با نظام اقتصادی به روشنی تدوین نشده است، بسیاری از اعمال و اقدامات نیز که بر اقتصاد و نظام اقتصادی کشور اثر سوء دارد و با توالی فاسد خود بحرانهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و گاه سیاسی را دامن میزند در قالب جرائم مصرح در قوانین جزایی نمیگنجد و به عبارتی فاقد وصف مجرمانه بوده است و در نتیجه قانوناً از هر گونه تعقیب و تنبیه یا لاقبل تنبیه و تعقیب مؤثر در امان است عامل دیگر ضعف، ابهام و تشتت در قوانین موجود است که از سویی برخی اوقات خود باعث سوءاستفادهها، انحصارها و رانت خواری می شود و از سوی دیگر فاقد قدرت بازدارندگی کافی است و بالاخره عامل سوم تخلف از مقررات قانونی موجود است که در واقع به دلایل مختلف این قوانین در مرحله اجرا با مشکلات و موانعی مواجه می شوند و آنچنان که شایسته است اجرا نمی شوند.

**کلید واژه‌ها:** مفاسد اقتصادی، نظام اقتصادی، انحصارها، رانت خواری.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز

[Zare.shoar@gmail.com](mailto:Zare.shoar@gmail.com)

## مقدمه:

موضوع فساد اقتصادی و لزوم مبارزه با آن همواره یکی از دغدغه‌های مردم، روشنفکران، اصحاب مطبوعات، اهل قلم و مسئولان نظام بوده و هست. متأسفانه این پدیده و رسیدگی به جرایم حاصل از آن تحت عنوان «جرایم اقتصادی» هر از چند گاهی به طور مقطعی و گاهی با شدت وحدت فراوانی مطرح و پس از چندی بدون دستیابی به نتیجه‌ای به وادی فراموشی سپرده می‌شود.

پر واضح است که برخوردهای سطحی و مقطعی با این موضوع نه تنها فایده‌ای ندارد و نخواهد داشت بلکه مسئله را پیچیده و غیر قابل حل‌تر می‌کند فایده‌ای ندارد و نخواهد داشت. بلکه مسئله را پیچیده‌تر و غیر قابل حل‌تر می‌کند و نتایج به دست آمده طی سال‌ها و دهه‌های گذشته مؤید این مدعاست. امروزه ضرورت بررسی علمی مسئله به منظور ریشه‌یابی و شناسایی عوامل مؤثر در آن و ارائه راه‌حل‌های مؤثر و عملی برای گشودن این گره بیش از پیش آشکار شده و طرح و بررسی آن در چنین همایش‌های گامی هر چند کوچک در این راستاست.

بحثی را که تحت عنوان «فساد اقتصادی» مطرح می‌شود می‌توان همانند هر مسئله اجتماعی دیگر از ابعاد مختلف بررسی کرد در پیدایش این مدعاست. امروزه ضرورت بررسی علمی مسئله به منظور ریشه‌یابی و شناسایی عوامل مؤثر در آن و ارائه راه‌حل‌های مؤثر و عملی برای گشودن این گره بیش از پیش آشکار شده و طرح و بررسی آن در چنین همایش‌هایی گامی هر چند کوچک در این راستاست.

بحثی را که تحت عنوان «فساد اقتصادی» مطرح می‌شود می‌توان همانند هر مسئله اجتماعی دیگر از ابعاد مختلف بررسی کرد در پیدایش این معضل اجتماعی عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، و برخی شاخص‌های حقوقی نقش دارند که تأمل در خصوص مورد اخیر موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهد.

طرح «مسئله اجتماعی» و در بطن آن «فساد اقتصادی» از دیدگاه حقوقی و آن هم در همایش آسیب‌های اجتماعی متشکل از جامعه‌شناسان اقتضا می‌کند که به رابطه حقوق و جامعه‌شناسی اشاره مختصری شود و ارتباط عوامل حقوقی با «مسائل اجتماعی» روشن گردد.

واقعیت این است که نه در کاوش‌های اجتماعی می‌توان به قواعد حقوقی بی‌اعتنا ماند و نه در وضع و اجرای قوانین ممکن است عوامل اجتماعی را نادیده گرفت. قانونگذار دادرس و به طور کلی هر عالم حقوقی برای به دست آوردن قواعد حقوقی و تفسیر قوانین موجود باید به روش تحقیق در جامعه‌شناسی آگاه باشد و با استفاده از داده‌های این علم آن قواعد را با نیازمندی‌های اجتماع متناسب کند از سوی دیگر اجرای قواعد حقوقی مستلزم ایجاد سلسله‌ای از وقایع اجتماعی است که در جای خود باید توسط جامعه‌شناسی بررسی شود. (کاتوزیان ۱۳۶۹) در این مقاله به همین مورد اخیر توجه شده و درباره عوامل حقوقی مفاسد اقتصادی به منزله یکی از مسائل اجتماعی بحث شده است.

همانگونه که اشاره شد افزون بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی عوامل حقوقی نیز از شاخص‌های مؤثر پیدایش مفاسد اقتصادی است. این عوامل تحت سه عنوان خلاء قانونی موجود و عدم اجرای صحیح آنها به بحث گذاشته خواهد شد.

### خلاء قانونی

از سویی، هر یک از مسائل اقتصادی که راه حلی را می‌طلبد در ارتباطی نزدیک و گهگاه بسیار پیچیده با مسائل مهم دیگر است و هر یک از راه‌حل‌های همراهی، همکاری، حمایت و پشتیبانی چند دستگاه و سازمان در بسیاری از موارد همزمانی راه‌حل‌ها را می‌طلبد. (مقدمه‌ی طرح ساماندهی جمهوری اسلامی ایران). از سوی دیگر، مبارزه قانونی با هر مسئله‌ای مستلزم آن است که مسئله‌ی مورد نظر در متون قانونی «جرم» تلقی و مجازاتی برای آن مقرر شود. بنابراین، از یک طرف باید به سیاست‌های کلی در خصوص موضوع مورد بحث و از سوی دیگر قوانین خاص مربوط به آن باید توجه شود.

### معین نبودن سیاست‌های کلی و روشن و جهتمند

یکی از شرایط لازم (و نه کافی) برای هدایت و اداره جامعه تدوین سیاست‌های کلی حاکم در آن است تا قوانین و مقررات مربوط به هر کدام از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ...

در پرتو آنها وضع شود و قوانین موجود به نحو مطلوب تفسیر و اجرا شود.

در این خصوص، و به ویژه در مورد سیاست‌های کلی اقتصادی همراه ضعفی کلی وجود داشته که علت یا یکی از علل مهم ایجاد مسائل اقتصادی بوده است. توضیح آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، طرح نظام سیاسی نوین و به تبع آن نظام اقتصادی و نظام حقوقی جدیدی به جریان افتاد و استقرار ساختار قانونی جدیدی مد نظر قرار گرفت.

اما وقوع بحران‌های شدیدی همچون جنگ و تحریم اقتصادی مانع برخورد اصلی علمی و نظام‌مند با این موضوع شد، به نحوی که، از یک سو اجزایی از ساختار حکومت سابق ایفا شد و استمرار یافت. از سوی دیگر، ساختار قانونی جدید بر حذف ضروریات مختلف و اقتضائات خاص و موردی استقرار یافت و هرگز آرامش، کلی‌نگری واقع‌بینانه و به دور از اوضاع بحرانی را نداشته و با توجه به مطالعات علمی دقیق و برنامه‌ریزی‌های سنجیده و دقیق نبوده است. این عدم هماهنگی در مجموعه اعضا نظام مشکلات و معضلات عدیده‌ای را پدید آورده که مسئله‌ی «فساد اقتصادی» یکی از مصادیق برجسته آن است.

سیاست‌های جدید اقتصادی که بلافاصله بعد از پایان جنگ تحمیلی اتخاذ شد این وضعیت را به نقطه اوج خود رساند. این جهت‌گیری‌ها که به ضرورت مصالح اقتصادی و اجتماعی بدون ملاحظه حذف فرهنگی آن در جامعه و بدون مطالعات کارشناسی انجام پذیرفت. به عاملی تنش‌انگیز در سطح جامعه تبدیل شد. با حاکمیت اقتصاد آزاد، بازسازی و کسب درآمد به هدف اصلی تبدیل شد، مؤسسات اقتصادی و انتفاعی خصوصی با تمسک به اصول اقتصادی وحشی سود بیشتر را هدف قرار داد و بسیاری از مراکز و سازمان‌های دولتی و عمومی و حتی بعضی واحدهای نظامی وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی شدند این سود باعث ورود افراد غیرمتخصص و ناآشنا به عرصه فعالیت‌های حرفه‌ای اقتصاد و از سوی دیگر موجب انحراف مراکز و سازمان‌های غیر اقتصادی از اهداف و سیر اولیه خود شد. در هر صورت، این جهت‌گیری کلی رشد و ظهور نورسیده‌های اقتصادی و از بین رفتن آرامش و اطمینان افشار آسیب‌پذیر و بیشتر افراد جامعه را در تأمین حداقل مایحتاج و ضروریات زندگی به همراه آورد این اضطراب‌ها و دلواپسی‌ها دامن جامعه اقتصادی را که دمادم در معرض بحران‌هایی سخت بود، رها نکرد و در نتیجه، این قشر نیز به



جای اتکا به قوانین و علل و اسباب منطقی اقتصاد، کسب درآمد و پس انداز بیشتر را تنها وسیله تأمین و تضمین آینده خود تلقی کرد. حتی در حال حاضر نیز که بحث «مبارزه با مفاسد اقتصادی» داغ است و هیئتی عالی رتبه از رؤسای سه قوه برای رویارویی با این مفاسد تشکیل شده، هنوز مفهوم مشخصی از فساد اقتصادی تبیین نشده است تا در جست‌وجوی راه‌هایی برای مبارزه با آن باشیم در این میان رفتارهای موجود در یک موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صلاح و انحراف از آنها را فساد می‌نامند. بدیهی است برای آن که مختصات صلاح جامعه مد نظر قرار بگیرد مجموعه این رفتارها نباید بنابراین گروه و یا افراد خاصی باشد، بلکه باید از برآیند جامعه نشأت بگیرد و به صورت اصولی روشن، شفاف، قانونی و ثابت و پایدار ظهور و بروز پیدا کند.

### خلاء قانونی به معنای اخص کلمه

خلاء قانونی به معنای اخص کلمه یعنی عدم وجود قانون علی‌رغم ضرورت آن، و تفاوت آن با مباحث مطرح شده در بند قبلی در جزئی و موردی بودن آن است. وقتی سخن از جرایم اقتصادی به میان می‌آید باید دید با توجه به اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»، مصداق این جرایم چه مواردی اند و قانونگذار چه مجازاتی را برای آنها معین کرده است. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها یکی از مهمترین اصولی است که ضرورت وجود آنها نه تنها هیچگاه نفی نشده، بلکه اعتبار آن روز افزون و توجه به آن بسیار است می‌دانیم که حکومت قانون برابر است با امنیت افراد و این امنیت متصور نیست با بقا و دوام این نوع حکومت. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها یعنی حکومت قانون برای تضمین احترام به آزادی‌های فردی و رعایت مصالح اجتماعی بر مبنای این اصل است که می‌توان گفت هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر آنکه قانون اجازه آن را داده باشد. (نوری‌ها ۱۳۶۹، ۶۵). بنابراین با توجه به این اصل که از مهمترین اصول اساسی حقوق جزا و در کشورهای متمدن دنیا پذیرفته شده است هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قبلاً قانون‌گذار به صورت قانونی به آن عنوانی مجرمانه داده باشد و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌شود مگر اینکه قبلاً قانون‌گذار برای جرم مشخصی آن را به تصویب رسانده باشد. این اصل از چنان ارزشی برخوردار است که هم در

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده ۱۱) بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد، هیچ کس برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی‌شده است. محکوم نخواهد شد...، هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۶۹) (به موجب اصل ۱۶۹ قانون اساسی، هیچ فعل یا ترک فعلی با استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود) و هم در قانون مجازات اسلامی (ماده ۲) (طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود) صریحاً ذکر شده است. دقت در قوانین جزایی کشورمان نشان می‌دهد که به طور صریح جرمی تحت عنوان «جرم اقتصادی» پیش‌بینی نشده و شرایط تحقق چنین جرمی بر مصادیق آن به روشنی مشخص نشده است. عناوین مشخصی نظیر جرم سرقت، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت و غیره که تحت عنوان «جرایم علیه اموال» مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و شرایط قانونی هر یک در قوانین موضوعه ذکر شده است. پاسخگوی مسائل نیست و بسیاری از موارد نظیر ثروت‌های بادآورده، استفاده از انحصارات و رانت خواری‌ها را در بر نمی‌گیرد.

خلاصه آن‌که بسیاری از اعمال و اقدامات که آثار سویی در اقتصاد و نظام اقتصادی کشور می‌گذارد و با توالی فاسد خود بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و گاه سیاسی را دامن می‌زند در قالب جرائم مصرح در قوانین جزایی نمی‌گنجد و به عبارتی حقوقی‌تر فاقد وصف مجرمانه است و از هر گونه تعقیب و تنبیه یا لااقل تعقیب و تنبیه مؤثر قانوناً در امان است. حتی قانون مجازات اخلاص کردن در نظام اقتصادی کشور که در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسیده تعریفی از اخلاص در نظام اقتصادی ارائه نکرده است و صرفاً به ذکر مصادیقی از آن در شش بند اکتفا کرده است.

بنابراین، در وضعیت فعلی، همانگونه که «جرم سیاسی» و مصادیق آن در کشور تعریف مشخصی ندارد ولی «مجرم سیاسی» وجود دارد، تکلیف «جرم اقتصادی» نیز در قانون مشخص نشده ولی «مجرم اقتصادی» وجود دارد و لازم است درباره تعریف جرم اقتصادی و شرایط تحقق آن از نظر قانونی بحث‌های علمی، حقوقی و فقهی انجام گیرد و قوانین مقتضی در این خصوص

در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسد.

### ضعف، ابهام، تشتت، و تناقض در قوانین موجود

همانگونه که قبلاً اشاره شد با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر قانون اساسی برخی از قوانین نیز متناسب با جهت‌گیری‌های جدید سیاسی، اقتصادی، و حقوقی دگرگون منسوخ و ملغی شد، اما اغلب این تغییرات در جرح و تعدیل آن موردی و بر اساس شرایط حاد به وقوع پیوست و قوانین جدید بر حسب نیاز تصویب و در پیکره‌ی مجموعه سابق گنجانده شد.

به عبارتی دیگر هیچ‌گاه فرصت بازنگری جوامع و تبیین مجموعه‌ی هماهنگ به دست کارشناسان متخصص و بر اساس اوضاع جدید فراهم نشده است. در بسیاری از موارد و از جمله در مسائل اقتصادی، مالیاتی، صادراتی، وارداتی، بانکی و ارزی و غیره، با تأخیر و بعد از تحمل بحران‌های شدید و سوءاستفاده‌های کلان به تدوین مقررات اقدام شد و هر بار به دلیل شتاب نقایص فراوانی در آنها وجود داشت.

نتیجه طبیعی چنین وضعیتی تورم و تشتت قوانین از یک سو و ابهام و تناقض در آنها از سوی دیگر بود. و هر کدام از این مقولات توالی فاسد بسیاری به همراه داشت. مثلاً سرمایه‌گذاری، راه‌اندازی تولید معادلات داخلی واردات و صادرات با تعدد مقررات و ضوابط مربوط به مجوزها و پیچیدگی آنها روبروست و اشخاص و بنگاه‌ها باید برای ساماندهی کار خود به وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات متعددی مراجعه کنند روشن است به وجود این مسائل سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی واحدهای تولیدی را کاری زمان‌بر، سخت و در مواردی غیر ممکن می‌سازد (طرح ساماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران - بند ۳) و زمینه رشد فعالیت‌های غیر تولیدی دلالی و واسطه‌ای را فراهم می‌آورد.

تورم قواعد و مقررات در واقع حصارهای مجدد دور رقابت آزاد است، زیرا ورود به آن در شرایط انحصار خاصی قرار می‌گیرد که وجهه اقتصادی چندانی ندارد. یکی از آثار مهم این تورم قواعد و مقررات، دشوار بودن آگاهی از آنها و احاطه بر آنهاست که متقابلاً تشکیل سازمان‌های عریض و طویل اداری را می‌طلبد.

متخلفان حرفه‌ای از ضعف قوانین حداکثر استفاده را می‌کنند. مثلاً، در بسیاری از موارد مجازات پیش‌بینی شده برای تخلفات با واقعیات و عقل محاسبه‌گر متخلفان مطابقت ندارد و نقش پیش‌گیرنده خود را از دست می‌دهد. شخصیت‌های حقوقی مانند شرکت‌ها علی‌رغم اینکه از واقعیت‌های حقوقی جامعه‌اند، مسئولیت‌های حقوقی متناسبی ندارند و در بسیاری از موارد عاملی برای پوشش نهادن بر تخلفات اعضا و مدیران محسوب می‌شود.

این وضعیت در خصوص شرکت‌های دولتی و مؤسسات مستقل وابسته به دولت اسفناک‌تر است. منظور اصلی از ایجاد مؤسسات مستقل دولتی انتفاعی نظیر بانک‌ها، شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی کسب درآمد برای دولت است. و هدف اینگونه مؤسسات مالی، کسب سود است. دادن صورت و سازمان‌های شرکت سهامی به مؤسسات دولتی در حقیقت فرمولی است برای اینکه بتوان آنها را تابع مقررات انعطاف‌پذیر قانون تجارت قرار داد و استقلال و آزادی عمل بیشتری برای آنها تأمین کرد.

انجام دادن عملیات تجاری و انتفاعی به قوانینی نرم و انعطاف‌پذیر نیاز دارد تا دست‌اندرکاران بتوانند از فرصت‌های مناسب برای خرید و فروش معاملات استفاده کنند و انجام دادن این عملیات با وجود تشریفات خشک و محاسبات عمومی البته به هیچ وجه میسر نیست. این تشریفات از سرعت عمل می‌کاهد و جلو تصمیمات آنی را که ممکن است منافع سرشاری را برای مؤسسه در بر داشته باشد می‌گیرد. به علاوه، فعالیت‌های بازرگانی به آزادی عمل بیشتری نیاز دارد و بازرگان نمی‌تواند خرید و فروش خود را مانند سازمان‌های دولتی به صورت مزایده و مناقصه انجام دهد، همین مسائل باعث شده است که دولت برای عملیات بازرگانی و صنعتی خود به منظور کسب سود به مؤسسات خصوصی تاسی بجوید و از طرح تشکیلاتی آنها که به موجب قانون تجارت دقیقاً تعیین شده است تقلید کند. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۴۸، ۱۷۰ و ۱۷۱) اما تجربه نشان داده است که بر اثر ضعف قوانین موجود به ویژه در امر نظارت بر اینگونه مؤسسات، اغلب شرکت‌ها علی‌رغم استفاده از امکانات و تسهیلات ویژه دولت، نه تنها سودی نصیب دولت نمی‌کنند، بلکه از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند.

مثلاً سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به شهرداری تبریز به جای اینکه با این منطق فوق



منبع درآمدی برای این شهر باشند سالانه مبالغ کلان و چشمگیری از کمک‌های شهرداری استفاده کرده و می‌کنند (بودجه مصوب سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰ در شهرداری تبریز). نمونه دیگر ضعف قوانین، قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۲ است. با لازم‌الاجرا شدن این قانون نهاد دادسرا و منصب دادستان سیستم قضایی کشور حذف شدند. با توجه به اینکه دادسرا سازمانی است که وظیفه آن حفظ حقوق عامه، نظارت بر حسن اجرای قوانین کیفری بزهکاران است (آخوندی، ۱۳۷۴، ۱۵). دادستان یا مدعی‌العموم صاحب منصبی است که برای حفظ حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کنند. (همان، ۵۳ و ۵۴). با تصویب این قانون این امور بدون متصدی مانده‌اند و یا به صورت مناسبی انجام نمی‌گیرند به ویژه، نظر به اینکه در جرایم اقتصادی اغلب مدعی خصوصی وجود ندارد جای خالی مدعی‌العموم یا دادستان کاملاً محسوس بود از این رو بود که لایحه‌ای مبنی بر احیای دادسراها به مجلس تقدیم شد و دادسراها احیا شدند.

### تخلف از مقررات و قوانین موجود

صرف وجود قوانین و مقررات ولو در سطح عالی و قابل قبول، وافی به مقصود نیست و نمی‌تواند مشکلات جامعه را حل کند برای کسب نتیجه مطلوب و مورد نظر این قوانین باید به مرحله اجرا درآید و نظارت‌های دقیق بر صحت اجرای آنها انجام شود. متأسفانه در کشورمان شاهد این واقعیت تلخ که در اغلب زمینه‌ها اشخاص حقیقی و حقوقی با تمسک بر عناوین مختلف بر دور زدن قانون بر حاکمیت آن اهتمام داشتند. البته این وضعیت به کشور ما اختصاص ندارد و در بین ملل واپس مانده و در حال توسعه مشاهده می‌شود که نظم‌پذیری و اطاعت از قانون شرط برقراری عدالت است برای بسیاری از مردم که سودمندی آن را درک نکرده‌اند بسیار مشکل است و آنها همواره در مقابل قانون که آزادی را محدود می‌کند مقاومت نشان می‌دهد (بارنز و بکر، ۱۳۵۸، ۴۴۴).

در حوزه مسائل اقتصادی به چند مورد از تخلفات گسترده‌ای به‌عنوان نمونه اشاره می‌کنیم: در نظام مالیاتی به اعتراف مسئولان درصد بسیاری از درآمدهای مالیاتی دولت تحقق نمی‌یابد،

یعنی قوانین مالیاتی زیر پا گذاشته می‌شود و تازه، به اعتقاد مسؤولان و مردم، کسانی که بیشترین درآمدها را دارند کمترین مالیات‌ها را می‌پردازند یا اینکه از پرداخت آن به ترفندی سر باز می‌زنند. مثال دیگر مربوط به مقررات مناقصه و مزایده است توضیح آن که در حقوق خصوصی افراد مردم اصولاً در ترتیب معاملات خویش اختیار کامل دارند، یعنی با هر کس که بخواهند و به هر قیمت و شرایطی که مورد توافق باشد می‌توانند معامله کنند. ولی در معاملات مربوط به امور عمومی مقامات اداری اختیار کامل در مورد نوع معامله و انتخاب طرف و قیمت و شرایط قرارداد ندارد (سنجایی، بی‌تا، ۲۲۰).

دولت قانوناً نه می‌تواند به میل خود شرایط قرارداد را تعیین کند و نه می‌تواند به دلخواه خود پیمانکار خود را انتخاب کند. علت این تفاوت آن است که افراد وقتی معامله می‌کنند این معامله کار شخصی محسوب می‌شود و چون افراد نفع شخصی خود را بهتر تشخیص می‌دهند هیچ موجبی برای محدود کردن آزادی آنها نیست حال آنکه وقتی دولت معامله می‌کند آن معامله برای عمومی است و به حساب خزانه و بیت‌المال منعقد می‌شود در این جا مقتضای معامله ایجاب می‌کند که نسبت به آن نظارت بیشتری اعمال شود تا اموال عمومی حیف و میل نشود (طباطبایی، مومنی، ۱۳۷۸، ۳۲۰، ۳۲۱) آزادی دولت در انعقاد قرارداد به طرق مختلف محدود شده است که متداول‌ترین آنها الزام ادارات به انجام دادن معاملات از طریق مزایده و مناقصه است مطابق این مقررات کلیه دستگاه‌های دولتی موظف‌اند در خرید کلیه مایحتاج و خدمات خود که قیمت ثابت و تعیین شده‌ای ندارند از طریق دعوت عمومی به مناقصه استفاده کنند و متقابلاً در فروش اموال دولتی به بالاترین قیمت ممکن با توسل به مزایده اقدام کنند فلسفه حقوقی و سیاسی این امر بسیار روشن است و هدف از آنها رعایت حداکثر صرفه صلاح دولت و حفظ منافع عمومی ملت است. متأسفانه در بسیاری از موارد به انحای مختلف یا از اجرای این قوانین چشم‌پوشی می‌شود یا مجوز معافیت از اجرای آن تحصیل می‌شود حتی برخی سازمان‌ها آیین‌نامه‌های ویژه‌ای برای معاملات خود به تصویب رسانده‌اند (همان، ۳۱۰) افزون بر این، برگزاری مزایده‌ها یا مناقصه‌های تشریفاتی را نیز باید اضافه کرد.

جرایم مالی دیگری مانند ارتشا و اختلاس فراوان انجام می‌شود و این در حالی است که در

موضوعات اخیر نه تنها قوانینی از قبل موجود بوده بلکه قوانین جدید سختگیرانه‌تری در خصوص آنها وضع شده است (قانون تشدید، مجازات مرتکبین، ارتشا و اختلاس و کلاهبردای مصوب ۱۳۶۷).

مسئله در این قانون‌گزینی عوامل بسیار متعددی نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند که از آن جمله علاوه بر ضعف و ابهام و تشتت در خود قوانین که در بخش پیشین بررسی شد به‌عنوان نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

- فقدان فرهنگ تبعیت از قانون
- متناسب نبودن مجازات‌های مقرر با جرایم مربوط.
- عدم نظارت صحیح و مؤثر در اجرای قانون.
- وجود اختیارات فوق‌العاده برای مجرمان قانون.
- حاکم بودن فرد و خلاقیت‌های فردی به جای سیستم و مجموعه‌ای از روابط هماهنگ و مرتبط.
- جهل بسیاری از مجریان و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای دولتی به موقعیت قانونی خود.
- ناآشنایی اغلب کارکنان و مدیران نسبت به قوانین و مقررات و ...

## پول شویی یا تطهیر پول

در لغت نامه دهخدا واژه «تطهیر» به معنای پاک کردن، غسل دادن و آب کشیدن آمده است. تطهیر پول عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعل که به منظور مشروعیت بخشیدن به درآمدهای نامشروع یا موجه جلوه دادن و جوه یا اموال غیر قانونی صورت می‌گیرد. در این راستا تطهیر پول پروژه‌ای است که با گذر از سه مرحله اصلی تحقق پیدا می‌کند. این واحل سه‌گانه عبارت‌اند از: مرحله جاسازی، مرحله لایه‌سازی، مرحله یک پارچه‌سازی مرحله جاسازی مرحله زمان انتقال پول از مبدأ آن است. گاهی این مبدأ می‌تواند به راحتی تغییر نموده یا به غلط نشان داده شود. این نتیجه در پی به جریان انداختن پول نقد از طریق موسسات مالی، بانک‌ها، مغازه‌ها، بنگاه‌های، معاملاتی و مؤسسات دیگر حاصل می‌گردد.



مرحله لایه‌سازی هدف عبارت از دشوار نمودن امکان ردیابی و کشف یک عمل تطهیر دهنده است بدین معنی که ردیابی و پیگیری عواید و داری‌های نا مشروع برای عوامل اجرای قانون و ماموران تحقیق دشوار می‌گردد. یک پارچه سازی، در این مرحله درآمدهای مجرمانه و غیر قانونی که حالا شستشو و پاک شده‌اند وارد سیستم مالی و تجاری می‌گردند. در این مرحله درآمدهای غیر قانونی با ثروت‌های مشروع و قانونی کاملاً هم شکل می‌شود و به گونه‌ای که به صورت کاملاً عادی و معمولی وارد بازار معاملات، بازار تجارت و واردات و جریان نقل بانکی و الکترونیکی دیگر مراکز مالی می‌گردد. شکی نیست که امروزه جرایم سازمان یافته تهدیدی جدی علیه اقتصاد، امنیت، ثبات سیاسی و اجتماعی کشورها، بلکه جامعه بین‌المللی به شمار می‌آید. سازمان‌های تبهکار با استفاده از درآمدهای کلان ارتکاب این گونه جرایم و ورود آنها به بازار مالی و اقتصادی کشورها اقتصادی کشورها اقدام به اجرای مقاصد خود که غالباً خطرناک و نامشروع هستند می‌نمایند. از جمله همان گونه که برخی از محققین معتقدند چنین اعمالی موجبات تحکیم و استمرار قاچاق مواد مخدر را در سطح بین‌المللی فراهم می‌سازد. در حقیقت سازمان‌های تبهکاری می‌توانند علاوه بر نفوذ در اقتصاد با دادن رشوه به ماموران عمومی، ایجاد فساد نمودن همچنین می‌توانند ساختار اجتماعی، معیارهای اخلاق و نهادهای مردمی را تضعیف نمایند.

### تشت عقاید و نظریات ارائه شده

جرم انگاری تطهیر پول، اصل اباحه و جوانه اعمالی است که انسان‌ها انجام می‌دهند مگر این که به موجب نص قانونی ممنوع شده و برای آنها کیف تعیین شده باشد. ایرادهایی درباره جرم‌انگاری عمل تطهیر پول وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد و در مقابل مستنداتی که جرم انگاری این عمل را جایزه می‌نماید باید مطالعه شود. بنابراین برای بررسی بهتر می‌تواند این ایرادات را مورد بررسی قرار داد که عبارتند از:

الف) مباح بودن نفس عمل، منظور از مباح بودن نفس عمل این است که اعمالی که تشکیل دهنده رکن مادی تطهیر پول محسوب می‌شود غالباً در اثر موارد فی نفسه اعمالی جایزند و اطلاق وصف مجرمانه به این اعمال صرفاً به منظور مبارزه با جرایم قبلی و مقدم براین اعمال از طریق

محروم نمودن مرتکبین این جرایم از سود ناشی از فعالیت‌شان است. برخی از صاحب نظران معتقدند که جنجال و انتقادات در مورد پول شویی به این مربوط می‌شود که شما کاری را که در مورد عادی مباح است جرم اعلام می‌کنید تا از خود جرم که می‌تواند قاچاق مواد مخدر، فحشا یا فروش کالاهای بازار سیاه باشد رهایی یابید.

ب) در مورد قاعده ید محققین معتقدند که مفاد قاعده ید این است که استیلا و سلطه یک فرد بر یک شیء مثبت مالکیت آن شخص است. طبع اصلی و اولیه تسلط انسان بر شیء است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. از سوی دیگر مفاد رای شماره ۴۳۰-۳۱/۳۲۷/۱۳۲۷ شعبه ایران عالی کشور «تعرف باید مشروع باشد ولی معترف نیازی به اثبات آن ندارد در دعوی مالکیت مدعی (دادستان) است که برای بی اعتبار کردن اماره تصرف باید اثبات کند که تصرف ناشی از مملک یا ناقل قانونی نیست». بنابر این اتهام غیر قانونی و نامشروع بودن اموال امری خلاف این قاعده محسوب می‌گردد.

ج) قاعده سوق بر این اصل معتقدات که که اگر در بازارهای مسلمین اعم از بازارهای معاملات نقدی، بازار بورس، بانکها و موسسات مالی و غیره معاملات و نقل و انتقالاتی انجام گیرد اصل بر این است که مجموع این فعل و انفعالات صحیح و معتبرند و تحقیق و جست و جو از منشأ و منبع آن اموال و مالکیت آنها لازم نیست و ممنوع نمودن برخی از این عبارات به احتمال این که اموال از جرایم مقدماتی ناشی شده‌اند باعث بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی بازار مسلمین و در نتیجه رکورد اقتصادی آن می‌گردد.

د) قاعده صحت، طبق این قاعده باید مبادلات و نقل و انتقالات و فعالیت‌های مالی و تجاری اشخاص را بر صحت و مشروعیت حمل نموده و نباید جز در موردی که دلایل کافی و قانع کننده ای وجود داشته باشد در مورد منبع ملکیت و دیگر اوصاف اموال مورد معامله حبت و جو نمود بنا بر این در صورت وجود گمان برفساد و عدم مشروعیت معاملات و نقل انتقالات اشخاص مظنون از حمایت این اصل برخوردار می‌باشند.

ه) منابع قانونی، اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: دولت

موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رو کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید رسیدگی و تحقق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اراء شود. همچنین ماده ۱ در بجه مبارزه با جرم پول شویی در سال ۱۳۸۱ از سوی هیأت وزیران تدوین شد بدین صورت که جرم پول شویی عبارت است از هرگونه تبدیل یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارایی با منشاء غیر قانونی به طور عمدی و با علم به آن برای قانونی جلوه دادن دارایی با منشاء غیرقانونی و منافع حاصل از آن به جزای نقدی معادل  $\frac{1}{4}$  ارزش دارایی مذکور محکوم می شوند. مصادیق و صور عمده جرم پول شویی که شرح موارد ذیل از حوصله این بحث خارج است و فقط به طور خلاصه به ذکر عنوان های آنها اشاره می کنیم:

- ۱- تبدیل یا انتقال مال نامشروع ۲- اخفا یا تغییر اوصاف مال نامشروع ۳- نمایندگی های مرتبط با بانک ها و موسسات مالی ۴- خرد سازی ۵- افتتاح حساب های جعلی ۶- معاملات کلان از طریق نزدیکان ۷- نقل و انتقالات الکترونیکی پول ۸- معاملات ارزی ۹- تبدیل پول ۱۰- تصفیه پول ۱۱- تبدیل سند ۱۲- تبدیل پول به اشیا مالی ۱۳- قاچاق پول ۱۴- قمار بازی در کازینوها ۱۵- اختلاط اموال

### نتیجه

فساد اقتصادی همانند دیگر مسائل اجتماعی عوامل مختلفی دارد و برای ریشه یابی آنها باید به ابعاد مختلف نظام اقتصادی، اداری، حقوقی، و سیاسی و اجتماعی توجه کرد به عبارت دیگر جرایم اقتصادی نیز همانند دیگر جرایم اغلب خارج از اراده و خصایص فردی رخ می دهد و محصول ساختار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی و بویس تاریخی آنهاست بنابراین با تمهیدات و اقداماتی در جهت تغییر شرایط می توان از آنها جلوگیری کرد بالا اقل آنها را کاهش داد. در این مقاله درباره ابعاد حقوقی موضوع بحث شد و به طور کاملاً اجمالی مشخص شد که

بعد از گذشت حدود ربع ۲۹ سال از انقلاب و تغییر نظام هنوز اولاً سیاست‌های کلی و شفاف و روشنی در مورد اقتصاد و نظام اقتصادی تعیین نشده ثانیاً قوانین هماهنگ منسجم و کارشناسی شده‌ای که مؤثر در مقام باشد را فراهم آورد وضع نشده ثالثاً ضعف و تشتت آن امکان برخورد مؤثر را فراهم آورد وضع نشده ثالثاً ضعف و تشتت موجود در قوانین موضوعی باعث سوء استفاده‌های فراوان شده و قدرت بازدارندگی را از آن سلب کرده و رابعاً فقدان ساز و کار اجرایی مؤثر و نظارت‌های دقیق و عملی امکان دور زدن قوانین و عدم اجرای آنها را فراهم آورده است.

اما لازم است بحث را با این سخن به پایان آوریم که اصولاً اجرای حقوق عمومی (که مفاسد اقتصادی هم عمدتاً به این حوزه مربوط می‌شود) مستلزم درجه‌ای عالی از روحیه سیاسی و اجتماعی است این امر هنگامی متحقق می‌شود که افکار عمومی بخواهد که فرمانروایان و مدیران تابع نظم و تحت کنترل باشند اجرای حقوق عمومی اقتضا می‌کند که مدیران اداره شوندگان را شهروندانی آزاد بدانند نه رعایایی برده مانند (داوید، اسپینوزی، ۱۳۷۶، ۸۳ و ۸۴).

## فهرست منابع:

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۷۴) **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. بارنز و بکر، (۱۳۵۸)، **تاریخ و اندیشه اجتماعی**، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر داوید.
۳. رنه و اسپینوزی، کامی زوفره، (۱۳۷۶)، **درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ**.
۴. سنجابی، (بی‌تا)، **کریم حقوق اداری ایران**، بی جا، چاپ سوم.
۵. طباطبایی موتمنی، منوچهر، (۱۳۸۴)، **حقوق اداری**، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران چاپ سوم.
۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران، انتشارات بهشهر چاپ دوازدهم.
۷. نوریه‌ها، رضا، (۱۳۶۹)، **زمینه حقوق جزای عمومی تهران**، کانون وکلای دادگستری مرکز قنادی.
۸. مراغه، رضا، (۱۳۷۱)، **اعلامیه تهران**، کانون وکلای دادگستری مرکز قنادی.
۹. مراغه، رضا، (۱۳۷۱)، **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، مجموعه‌ای از مقررات بین‌المللی تبریز کتابسرای مولی.

۱۰. منصور، جهانگیر، (۱۳۷۹)، قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر دیدار.
۱۱. قربانی، فرج‌اله، (۱۳۷۰) قانون اساسی و مدنی، تهران، انتشارات دانشور.
۱۲. نهاد ریاست جمهوری، (۱۳۷۸)، طرح ساماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.



ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

